

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هارون خیل شعشی

۲۸ جولای ۲۰۱۱

لشکرگاه های امریکائی و نقشه های استعماری

بخش دوازدهم

راه نجات از لشکرگاه های امریکائی و سایر فتنه های استعماری؟

تجارب خونین و دلخراش ده سال گذشته در کشور جنگ زده و ماتم کشیده ما با وضاحت نشان داد، که لشکرهای وارد شده به نام صلح، امنیت، آزادی، دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر و پیشرفت اقتصادی در افغانستان همراه با حکومت گوش به فرمانش حتی در بر آورده ساختن مبرم ترین خواست مردم زجر کشیده ما یعنی تأمین صلح و امنیت سراسری نیز باز مانده اند. امروز در نوزاد هیلمند، دیروز در دواب نورستان، آن روز دیگر در کونړ ها و پیش ازین در قراء و قصبات دیگری، که ذکر فهرست مکمل آن به هیچ وجه در حوصله این مقاله مختصر نمی گنجد، هزاران هموطن بی گناه ما اعم از کودکان، زنان و موسفیدان، مثل گوسفندان قربانی به خاک و خون غلتیده؛ و روزی نیست که خانه و کاشانه فقیرانه شان، هدف بمباری های وحشیانه عساکر انتلافی یا حملات انتحاری نیرو های مخالفین مسلح قرار نگیرد.

ده سال خونبار گذشته همچنان ثابت ساخت، که دریافت راه حل مسائل بزرگ جامعه بحران زده افغانی نظیر جنگ، نا آرامی، خودکامگی، غارتگری، فساد، بیکاری و بسا نابه سامانی های دیگر، از صلاحیت نیرو های تجاوزگر خارجی و حکومت گماشته آنان، به مراتب بالاتر است. زیرا، تأمین صلح و امنیت در کشور، فراهم آوری کار و روزگار برای مردم، جلوگیری از خودسری ها و اعمال ناشایسته زورمندان، ریشه کن ساختن بی عدالتی و فساد در نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هیچ گاه کار نیرو های استعماری و گروه های جنگی و مافیائی نبوده است.

آیا در جهان وسیع کنونی می توان کشور واحدی را سراغ کرد، که قاتلان، تبهکاران، غارتگران، زورمندان، قاچاقچیان مواد مخدر و عناصر آلوده به فساد، مصدر کوچکترین خدمت در حق مردم مظلوم و بیچاره خویش شده باشند؟ گرسنگی، بیکاری، بی بازخواستی و خون و اشک مردم بینوای ما را نگاه کرده، خود قضاوت نمائید، که مزدوران چپاولگر و فسادپیشه حاکم بر سرنوشت ما طی ده سال گذشته، مصروف چه کار و بار بوده اند؟ قصر ها،

شهرک ها، شرکت ها و سایر معاملات سیاه این غارتگران و غاصبان مزدور، همه نمایانگر ظلم و بی عدالتی در حق مردم ما نیست؟

جواب های این سؤالات بر همه هموطنان آگاه و بیدار ما خوب روش است. همه افغان ها به نیکوئی درک می کنند، که گروه های جنگی و مافیائی مسلط بر کشور در فضای نا آمنی، فساد، بی بازخواستی، بیکاری، مخدر بازاری و سایر سیاست های غیر انسانی، منافع حیاتی داشته؛ و تا جان در تن دارند، جهت ادامه وضع رقتبار موجود، تلاش خواهند کرد. ازین رو باید خود آشوب گری و فتنه زائی کنند تا به حیات ننگین خویش چند صباحی ادامه دهند. همه ما شاهدیم، اگر جنگ و خون ریزی و سیاه کاری های دیگری در میان نباشد، امریکا، دولت های غربی، روسیه، ایران، پاکستان، هند، کشور های عربی و غیره مغرضین هیچ گاه چنین گروه های جنگی و حلقات مافیائی را با پول های باد آورده شان مورد ناز و نعمت قرار نمی دهند.

روی این استدلال، خانه ویران شده و آغشته به خون افغان ها، راه حل عمیق و اساسی می طلبد. چنان راه حلی که علاوه بر هموطنان ستم کشیده ما، مورد قبول همه جامعه جهانی، به خصوص کشور های همسایه ما قرار گیرد. چنین راه حل معقول و منطقی در شرایط کنونی تراژیدی سی و دو ساله کشور ما، دو بعد مهم و اساسی دارد:

- اول این که حکومت مزدور، فاسد و بی کفایت کابل باید به مثابه عامل اساسی جنگ، خون ریزی و فساد در کشور، هر چه زودتر، پیش از این که حملات فزاینده مخالفان مسلح، پایه های لرزان آن را متلاشی نموده؛ و ازین رهگذر مصایب دیگری دامنگیر مردم ما سازد، جایش را به یک حکومت موقت ملی، مرکب از افغان های مستقل، بیطرف، دلسوز و کارفهم بسپارد. خوانندگان گرانقدر می توانند برای شناخت هر چه بهتر چنین حکومت موقت ملی، با استفاده از لینک زیرین اینترنیت، نوشته مفصل و مبسوط نگارنده این سطور را که چیزی کم سه سال قبل در « بینوا»، « لر او بر» و شمار دیگری از وب سایت های ملی نشر گردیده، مطالعه نمایند:

<http://www.larawbar.com/detail.php?id=5710>

- دوم این که کلیه نیروهای ائتلافی بایدبا پیشکش نمودن جدول زمانی **معقول و عملی**، سرزمین آزاد و پُرغرور افغان ها را ترک نمایند. زیرا این نیرو های ائتلافی از ده سال بدینسو با بمباری های خودسرانه هوائی، عملیات زمینی و تعمیل شکنجه های ظالمانه با همه افغانان آزادیخواه و وطندوست، مخصوصاً پښتون های آزاده و سربلند، مصروف جنگ بی مفهومی بوده اند، که هر روز تلفات و خسارات عظیمی به بار می آرد. این جنگ تجاوزگرانه و غیر عادلانه نیرو های امریکائی و ائتلافی علیه مردم بی گناه ما، هیچ نوع توجیه انسانی و حقوقی نداشته؛ و خلاف ادعا های دروغین طراحان آن به تشدید و گسترش اعمال تروریستی، تشنجات منطقه ئی، نفرت های قومی - مذهبی و گرایش های افراط گرایانه در افغانستان، منطقه و جهان، دامن زده است. خوانندگان آگاه و فرهیخته ما نیک می دانند، که درکشور جنگ زده و بلا کشیده ما هیچگاه رسم و دستور حملات انتحاری وجود نداشت؛ اما بدبختانه حالا جزء اسفناک واقعیت های جامعه ما به حساب می آید. هکذا، منفجر ساختن عبادتگاه ها، زیارت ها، اماکن مقدس و کشتار مردم بی گناه بر مبنای انگیزه های قومی، مذهبی و لسانی همه پدیده هایست، که با آمدن عساکر امریکائی و ائتلافی به افغانستان، شکل گرفته است.

لیون پانیتا- رئیس پیشین سی. آی. ای. که اکنون کرسی وزیر دفاع ایالات متحده امریکا را احراز کرده، چندی پیش خود اذعان نموده بود، که تعداد اعضای سازمان القاعده در افغانستان به بیش از **صد** تن بالغ نمی گردد؛ در حالی که این تعداد طبق گزارش های تازه سی. آی. ای. میان پنجاه تا هفتاد (**۵۰ - ۷۵**) عضو تخمین می

گردد؛ و زمامداران امریکائی برای دستگیری یا از میان بردن آن ها، ماهانه حدود ده (۱۰) میلیارد دلار پول به مصرف می رسانند. تفصیلات بیشتر این موضوع را درین لینک جوپولیتیکل مانیتور، ملاحظه فرمائید:

<http://www.geopoliticalmonitor.com/opinion-us-wont-leave-afghanistan-4414/>

بدون شک، قتل اُسامه بن لادن به عنوان هدف اصلی و محوری لشکرکشی امریکا و متحدین به افغانستان، ضربه کاری دیگری بر روحیه و ظرفیت تبلیغاتی این سازمان به شمار آمده، که آن نیز به نوبه خود ضرورت وجود نیروهای امریکائی درکشور ما را به کلی منتفی می سازد. می ماند تحریک طالبان، حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، گروه جلال الدین حقانی و سایر گروه های مسلح مخالف، که استیصال آن نه کاریست عملی و نه معقول. عملی به دلیلی نیست، که اعضای شامل درین احزاب و گروه های مسلح، صرفنظر از این که در اذهان عامه به چه نام و عنوان یاد گردیده، همه باشندگان اصلی این مرزوبوم اند؛ در میان مردم ریشه دارند؛ و طی ده سال گذشته، موجودیت و هویت شان را علی رغم همه بمباری ها، حملات، زندان ها و شکنجه های نیرو های امریکائی و ائتلافی، حفظ نموده اند.

معقول به دلیلی نیست، که این احزاب و گروه ها به شمول حادثه دلخراش یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱م، هیچ سهمی در تروریزم بین المللی نداشته؛ و هیچ گاه تلاش نکرده اند مانند القاعده یا سایر سازمان های جهادی، در مسائل ماورای افغانستان دخالت نمایند. بن لادن، القاعده و گروه هائی ازین قماش را در واقع از سی . آی . ای ، المخابرات ، آی . اس . آی . و تنظیم های جهادی افغانی مقیم پشاور، به میراث گرفتند. سیاست های افراطی و بنیادگرایانه این احزاب و گروه ها را نیز تا حدودی متأثر از کشور های خارجی و همسایه باید پنداشت .

وقتی واقعیت جامعه افغانی بدین نمط باشد، حضور این همه لشکر های بی سر و پا و این همه خون ریزی ها ، تبهکاری ها و ضایع کردن این میلیارد ها دلار برای چه؟! زیرا همه ما شاهدیم، که حضور نیروی های ائتلافی به سرکردگی امریکا در طول ده سال گذشته نه تنها در قلع و قمع تروریزم، خشونت و افراط گرایی مذهبی، کوچکترین کمکی انجام نداده، بلکه بالعکس در تشدید و توسعه این همه پدیده های مصیبت بار، نقش بسزائی ایفاء نموده است. ازین رو، جز مذاکره و مفاهمه، جز مصالحه و آشتی، هیچ راهی وجود ندارد؛ ولی مذاکره و مفاهمه با کی و تحت چه اصولی؟

هرگاه طراحان اشغال و دست نشاندهان منفور شان در افغانستان تصور می کنند، که مخالفین مسلح و غیر مسلح سیطره امریکائی و رژیم پوشالی شان با کمیسیون حاضری به مذاکره و مفاهمه خواهند شد، که برهان الدین ربانی رهبری آن را به دوش دارد، سخت به خطا رفته اند. چه، میانجیگری یا وساطت هم از زاویه دید حقوقی و هم زاویه دید رسوم و سنن پسندیده مردم ما رسالت و مسؤولیت کسانست، که علاوه بر شهرت نیک و مصلحانه خویش درمنازعه یا دعوای طرفین، هیچ گونه دخالت یا منفعتی نداشته باشند؛ در حالی که همه ما به چشم سر مشاهده می نمائیم، که درکمیسیون نامنهاد « صلح و آشتی » حکومت کرزی صرفنظر از چند عضو کلیشه ئی و فاقد صلاحیت آن، قاتلان هزاران افغان بی گناه، مسؤولین ویران کردن شهر کابل و سر انجام پیش خدمتان خاین و فاسد اشغال کنونی امریکائی، عضویت دارند. آیا در وجود چنین جانیان و چپاولگران و شرف باختگان، می توان امیدی به قطع جنگ و خون ریزی درکشور ویران شده خود بست؟ امریکائیان و سایر دولت های ائتلافی باید این حقیقت تلخ را با گوشت و پوست خویش درک نمایند.

پس راه حل چیست؟

راه حل صرف و صرف ایجاد یک حکومت موقت واقعاً ملی و مردمی است .

از همه طرفین داخلی و خارجی قضیه افغانستان باید پرسید: آیا داشتن یک حکومت ملی و مردمی، و تخلیه این خطه بلا کشیده از نیرو های مهاجم ائتلافی و جهادیان بیگانه، خواست نامشروع و نا معقول است؟ چه کسانی جز سرکردگان و قومندانان گروه های جنگی، جاسوسان معلوم الحال، وابستگان رژیم مزدور و پاداران خارجی شان می توانند با این خواست مشروع و انسانی هموطنان جنگ زده و عذاب دیده ما مخالفت داشته باشند؟ بیائید در سطور آتی بر برخی پهلوی های عملی این آرمان بزرگ ملی خویش، قدری درنگ و دقت نمائیم :

خوشبختانه، افغانستان تاریخی از میان اقوام و قبایل با هم برادر خویش در داخل و خارج از کشور دارای بسا شخصیت های ملی و مردمی می باشد، که همه هموطنان ما می توانند با یک آواز برایمان، استقلال، از خود گذری، فراست و دلسوزی شان، آما گویند.

حکومت موقت متشکل از چنین شخصیت های مستقل، بیطرف، مخلص، کارفهم و با کفایت ملی می تواند دو وظیفه بزرگ و خطیر ملی را به پیش ببرد:

- اول این که از طریق مذاکرات مستقیم، علنی و صادقانه با احزاب، گروه ها و شخصیت های مخالفین مسلح و غیر مسلح دولت کنونی، از جنگ و ویرانی درکشور جلوگیری به عمل آرد .
- دوم این که با تطبیق خط مشی واقعاً ملی و مردمی، به پشتیبانی بالفعل میلیون ها افغان وطن دوست و آزادی پرور ما دست یابد.

این دست آورد ها و پیروزی های حکومت موقت ملی یقیناً به تحقق صلح سرتاسری و مصالحه ملی درکشور کمک و مساعدت نموده؛ جبهه صلح ، امنیت، ترقی و پیشرفت را روز تا روز نیرومند و جبهه جنگ، خون ریزی، افراط گرایی و اختناق طلبی را روز به روز تضعیف و تجرید خواهد کرد.

مذاکرات و مفاوضات میان حکومت موقت ملی و مخالفین گوناگون (مسلح و غیر مسلح) دولت دست نشانده کنونی به زودی زمینه های آن را فراهم خواهد ساخت تا همه بیگانگان ناخوانده (نیرو های ائتلافی به رهبری ایالات متحده امریکا و جهادیان همزیم مخالفین مسلح حکومت کرزی) خانه ویران و ماتم کشیده ما را برای همیشه ترک گویند. البته این حقیقت نیاز به مشاجره و اثبات ندارد، تا وقتی که میهن آبائی ما، افغانستان سربلند و پُر غرور، به صاحبان اصلی آن واگذار نگردیده، امید به صلح، امنیت و بهروزی درین کشور جنگ زده نیز امر عملی و ثمربخش نخواهد بود.

حکومت موقت ملی بعد از گذشت زمان معین (این مدت، منوط به توافق طرفین درگیر در قضیه افغانستان خواهد بود) زمینه را برای تدویر انتخابات عمومی مهیا ساخته؛ و تا تشکیل یک حکومت منتخب و قانونی رسالت ملی و میهنی اش را ، خاتمه خواهد بخشید. نسخه درست اداره و پیشرفت افغانستان فقط همین حکومت ملی بوده، که می تواند نه تنها حقوق همه باشندگان با هم برادر این کشور، بلکه منافع مشروع کشور های همسایه و کلیه جامعه بین المللی را نیز، به وجه احسن نگهداری نماید.

با توجه به شرایط و احوال به خصوص افغانستان، نمی توان سیستم موفق تر و موثرتر از این را سراغ کرد؛ زیرا در سی و اند سال گذشته عملاً مشاهده نمودیم، که افراط گرایی چپ و راست، هموطنان مظلوم و بیچاره مارا چیزی جز سیه روزی و تباهی به ارمغان نیاورد؛ و نه هم باید می آورد. چه، افراط گرایی به هر شکل و هر نوع که باشد، ماهیت وارداتی داشته؛ و با واقعیت های عینی و ذهنی جامعه ما سازگاری ندارد. به همین دلیل است، که سیستم های

بیگانه از واقعیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ما، همواره با مقاومت ها و مخالفت های مردم ما، مواجه گردیده و می گردد .

به زعم این عاجز «خیرالامور اوسطها» بهترین و شایسته ترین راه نجات افغانستان از سقوط به پرتگاه های هلاکت بار چپ و راست است؛ اما انتخاب چنین راه وسط فکری هیچ گاه به معنای واپس گرائی، محافظه کاری و تسلیم شدن به روش های غیر انسانی نخواهد بود . مبارزه در راه آزادی، عدالت اجتماعی، حقوق بشر و ارزش های دموکراتیک با جدیت هر بیشتر ادامه خواهد داشت. نکته مهم و درخور توجه اینست، که این نوع جدو جهدشریفانه باید از حمایت عینی و ذهنی هموطنان ما برخوردار باشد. توضیح اینکه، هموطنان ما باید مانند مردمان کشور های شمال افریقا و شرق میانه به منظور رونما ساختن چنین تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در افغانستان، به طور **آگاهانه و پیگیرانه**، وارد میدان مبارزه و فداکاری گردیده ؛ و با اشتراک مستقیم و فعال خویش سیستم های تحمیل شده و وارداتی را از میان بر دارند.

حکومت موقت ملی با داشتن پشتیبانی وسیع مردمی قادر خواهد بود در چهارچوب تفاهم، دوستی، برادری و سایر معیار های پذیرفته شده بین المللی با کشور های همسایه، دولت های منطقه، ایالات متحده امریکا و متحدین غربی و در مجموع همه کشور های جهان، مناسبات دوستانه برقرار نموده؛ از مساعدت های بشری، علمی، تکنیکی، فرهنگی و اقتصادی شان استفاده اعظمی به عمل آرد؛ و خود نیز به مثابه یک عضو فعال و با اعتبار جامعه بین المللی، مسؤولیت های ملی و بین المللی خویش را با درستی انجام دهد.

امریکا، دول اروپائی، کشور های همسایه و منطقه نیز به نوبه خود افغان ها را اجازه دهند تا نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خویش را خود انتخاب نمایند. همان گونه که تلاش حکومت اتحاد شوروی سابق برای تحمیل سیستم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش علیه ملل دیگر از جمله افغانستان به نتایج فاجعه باری روبرو شد، ایالات متحده امریکا، کشور های همسایه مخصوصاً پاکستان و ایران و کشور های بزرگ منطقه نظیر چین، روسیه و عربستان سعودی نیز باید از صدور نظام های دلخواه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خویش به افغانستان خودداری ورزند.

موجودیت سیستم های مختلف سیاسی، اجتماعی، کلتوری و اقتصادی از نیازمندی های مهم تحکیم صلح و امنیت بین المللی، گسترش همکاری ها و پیشرفت تمدن بشری، به شمار می آید. اصل زرین همزیستی مسالمت آمیز میان دولت های دارای سیستم های متفاوت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نه تنها سه اصل مهم حقوق بین الملل معاصر نظیر جلوگیری از استعمال زور یا تهدید به آن، احترام به حاکمیت ملی دولت ها و عدم مداخله در امور داخلی کشور ها را به بهترین وجه بازتاب می بخشد، بلکه سایر بخش های دوستی و همکاری میان دولت های جهان را نیز در بر می گیرد. اصل حقوقی زندگی مسالمت آمیز بر تمام آن سیاست هائی خط بطلان می کشد، که دولت های واجد سیستم های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را بسوی تقابل و تصادم می کشاند. روی این دلایل، تلاش های کشور های خارجی به منظور تحمیل نظام های دلخواه شان بر افغانستان، پیامدی دیگری جز جنگ و خون ریزی و تباهی به دنبال نخواهد داشت .

بلی! یک دولت دارای وجهه ملی درکشور ما می تواند به منظور دفاع مطمئنه از تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و حاکمیت ملی افغانستان در چهارچوب موازین قبول شده بین المللی با همه کشور های جهان، اعم از ایالات متحده امریکا، چین و روسیه، موافقتنامه های دفاعی و ستراتژیک منعقد سازد. بدون شک، معاهدات و موافقتنامه های انعقاد یافته بر مبنای خواست ها و ضرورت های عینی جامعه توسط یک حکومت ملی و مردمی، هرگز به

درگیری ها و تشنجات در سطح ملی و بین المللی دامن نخواهد زد. برای انعقاد چنین معاهدات و توافقنامه های دو جانبه یا چندین جانبه، داشتن حمایت همه جانبه مردم افغانستان شرط اولی و اساسی است؛ چه همچو پشتیبانی گسترده و همه جانبه مردمی، دولت افغان را قادر خواهد ساخت تا شرایط و خواست های مشروع خود را به عنوان یک طرف متساوی الحقوق موافقت نامه مطرح نماید؛ حال آن که انعقاد چنین قرارداد های با اهمیت ملی از صلاحیت حکومت های ضد ملی، علی الخصوص حکومت مزدور و فاسد کرزی، به کلی بالاتر است؛ زیرا همچو حکومت پوشالی و بی اراده قادر نخواهد بود از پذیرش شرایط استعماری مقامات امریکائی به کوچکترین نحوی عدول نماید. روی این ملحوظ، جای تردید نیست، که انعقاد قرارداد های استعماری به وسیله چنین حکومت مزدور و بی پشتوانه مسلماً بحران های موجود در افغانستان و منطقه را وسعت و شدت هر چه بیشتر خواهد بخشید.

بی نیاز از اثبات است، که کشور های همسایه، بازیگران منطقه و دول معظم جهان از سی و اند سال بدینسو، درمیهن عزیز ما طرح ها و نقشه های خاص خود را دنبال می نمایند. بدیهی است، که رژیم های دست نشانده نسبت نداشتن پشتیبان مردمی و استقلال اراده، قادر به ایستادگی در برابر چنین نقشه های ناروا و مداخله گرانه کشور های بیگانه نبوده؛ و هر گروه از مزدوران شامل در حکومت ناچار اند، منافع و مصالح ولی نعمتان شان را به بهترین وجه بر آورده سازند، که این امر خواهی نخواهی موجب برانگیختن عکس العمل های شدید سایر دولت های مداخله گر در امور داخلی ما می گردد؛ به عنوان مثال دوستی با هند، باعث دشمنی نظامیگران پاکستان گردیده یا دلچسپی های سیاسی و اقتصادی چین و روسیه و ایران مورد مخالفت ایالات متحده امریکا و متحدان غربی آن گردیده یا تشبثات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی عربستان سعودی و سایر کشور های عربی آتش به خرمن آخوند های ایرانی زده، سبب مداخلات و تخریبکاری ها آنان در امور داخلی کشور ما می گردد.

روی این استدلال، تنها یک حکومت نیرومند ملی و مردمی است، که می تواند با اتخاذ سیاست فعال بیطرفی و عدم انسلاک، از منافع مشروع همسایگان، بازیگران منطقه و همه اعضای جامعه جهانی حراست به عمل آورده؛ و از مداخلات و منافع نامشروع شان با قاطعیت جلوگیری نماید.

بی مورد نخواهد بود تا یکبار دیگر تکرار نمود، که مداخلات، جنگ ها و نا آرامی های موجود در افغانستان با لشکر های تجاوزگر خارجی و رژیم دست نشانده آن، ارتباط ناگسستگی دارد. اگر امریکائی ها و متحدین سیاسی - نظامی شان واقعاً به منظور مبارزه علیه تروریسم و افراطیت به افغانستان رفته اند، باید در منتفی ساختن علل اصلی و اساسی بحران افغانی سعی و تلاش نمایند. مدامی که علل اصلی مداخلات، جنگ ها، خون ریزی ها و اعمال تخریبی از میان برداشته شود، معلول های آن - تروریسم، نا آرامی ها، خشونت ها، افراط گرایی، فقر، بیکاری و سایر نابسامانی های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی - نیز خود بخود از بین می رود.

چنانچه امریکائی ها و هم پیمانان شان کماکان بر حمایت و همکاری حکومت جنایتکاران، جاسوسان، و چپاولگران شناخته شده و یا ناشناس در کشور ما تأکید ورزند، معنی آن بدون شک این خواهد بود، که عمداً می خواهند زمام امور کشور جنگ زده ما را یکبار دیگر در کف گروه های جنگی و افراطی گذارند؛ زیرا همه ما نیکو می دانیم، که حکومت فاسد و بیکاره کنونی قطع نظر از حملات فزاینده مخالفین مسلح، نسبت مخالفت های عمیق درونی، به زودترین فرصت از داخل منفجر خواهد شد. تحت همچو شرایط و احوال، مسؤولیت دور جدید جنگ های وحشتناک تنظیمی، کشتار احتمالی هزاران افغان بی گناه، تباهی هر بیشتر این خانه ویران شده و بالاخره به مخاطره انداختن تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال ملی میهن تاریخی ما همه و همه تحفه شوم و نکبت بار نیروهای مهاجم امریکائی و رژیم مزدور کنونی خواهد بود.

اگر شماری از عناصر رژیم مزدور کرزی چیزی به نام خدا، وجدان و افغانیت می شناسند، ازین اقتدار ننگین، خونین و خاینانه باید هر چه زودتر دست بکشند؛ و در واگذاری قدرت به یک حکومت موقت ملی، صمیمانه همکاری نمایند. سپردن قدرت سیاسی به یک حکومت موقت با اعتبار ملی یگانه راهیست، که می تواند از دور دیگر جنگ های وحشتناک تنظیمی و حاکمیت نیروهای جنگی و افراطی در مملکت، جلوگیری به عمل آرد.

حضور دایمی عساکر امریکائی در افغانستان گام خطرناکیست در محدود ساختن حاکمیت ملی و استقلال سیاسی کشور، که می تواند این خطه تاریخی را در معرض خطر تجزیه نیز قرار دهد. ازین جهت، هیچ افغان آزاده، سربلند و با غرور حاضر به پذیرش آن نمی باشد. ستراتیژیستان امریکائی و ائتلافی باید از مبارزات آزادیخواهانه افغانان دلیر و بی باک در درازای تاریخ، درس عبرت گرفته؛ و نگذارند با قربانی هزاران نظامی و برباد ساختن میلیارد ها دالر خویش به عین سرنوشتی مواجه گردند، که امپراتوری های مهاجم دیگری، روبرو گشته اند. اوراق تاریخ پر افتخار ما شهادی می دهد، که در دره ها و دشت های این سرزمین سربلند و تسلیم ناپذیر، پوز جهان گشایان فراوان به خاک مالیده شده است؛ برخی شان دست و پا، بعضی شان سر و وجود و عده ای هم لشکر های هزاران نفری خویش را همراه با همه ساز و برگ نظامی شان، از دست داده اند.

هرگاه امریکا به جای تعقل و منطق راه زور و قوه را انتخاب نماید؛ و خلاف اراده همه مردم سربلند و آزاده ما به تداوم لشکرگاه های شان بپردازد، در آن صورت باید به عواقب تهلکه آمیز این عمل مستکبرانه خویش نیز خوب پی ببرند. مردم غیور و از بند رسته ما تداوم چنین مراکز نظامی امریکائی ها را به عنوان اشغال دایمی میهن خویش تلقی نموده؛ و همه با یک وجود و یک آواز در سنگر مبارزه علیه آن قرار خواهند گرفت. از جانب دیگر تداوم حضور تفنگداران امریکائی در کشور ما، که به هیچ صورت راه حل منطقی و اصولی مسئله افغانستان نبوده، آشکارا نشان خواهد داد، که سیاستمداران امریکائی در افغانستان و منطقه، پی نقشه های استعماری اند، که بر علاوه ملت ستم کشیده افغان، با منافع ملی سایر ملل منطقه نیز در تقابل و تضاد واضح قرار دارد. عواقب چنین ماجراجوئی های غیر معقول و مستکبرانه، چیز دیگری جز تراژیدی ها و مصایب دایمی برای مردم زجرکشیده افغان و سایر ملت های منطقه ما، نمی تواند باشد.

هرگاه لشکر تا دندان مسلح یکصد و پنجاه هزار نفری جمع ده ها هزار نیروی استخباراتی و امنیتی و اکمالاتی ملبس به لباس ملکی نتوانست، طی ده سال گذشته، اراده های استوار و خلل ناپذیر مردم ما به خاطر آزادی و استقلال شان را درهم شکند، سی - چهل هزار عسکر مستقر در لشکرگاه های امریکائی چگونه می تواند از قیام های برگشت ناپذیر هموطنان سرسپرده و آزادی پرور ما، جلوگیری به عمل آرد؟!

بلی! شعله های لجام گسیخته این جنگ تمیلی، خانه ویران و تاریک هموطنان داغیده ما را به خاکستر مبدل خواهد ساخت؛ اما همراه با آن نظامیان اشغالگر امریکائی و حامیان رژیم مزدور شان نیز روز خوبی نخواهند دید؛ این همه خون و آتش، این همه ناله و فریاد تا قصر ها و برج و باره مستحکم جنگ افروزان نیز فرا خواهد رسید.

ادامه دارد